

## بنیادهای سیاسی و اجتماعی نظام‌های انتخاباتی مجلس شورای ملی در ایران عصر مشروطه

ابراهیم عباسی\*

### چکیده

تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که رابطه بسترهای سیاسی و اجتماعی با تحول قوانین انتخاباتی مجلس شورای ملی در ایران عصر مشروطه چگونه بوده است؟ فرض این پژوهش آن است که عوامل اصلی در شکل‌دهی به بنیادهای این نظام انتخاباتی و تغییرات سه‌گانه آن عناصری مانند ایدئولوژی، ساختار طبقاتی، عوامل اقتصادی، عرف و سنت، نوع رژیم سیاسی و ... بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نظامنامه انتخابات صنفی (۱۲۸۵ش)، قانون انتخابات دو درجه‌ای سال ۱۲۸۸ و قانون انتخابات یک درجه‌ای که مبنای انتخابات مجلس سوم تا بیست و چهارم البته با اصلاحاتی بود عناصر فوق هر یک سهم متفاوتی داشته‌اند. این پژوهش تلاش دارد از منظر جامعه‌شناسی تاریخی این رابطه را به بحث گذارد. سهم و تأثیر این روش آن است که نمی‌توان حقوق واقعی یک ملت را بدون شناخت محیط اجتماعی که خالق روابط حقوقی میان افراد است درک کرد.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، نظام انتخاباتی، جامعه‌شناسی تاریخی، مجلس شورای ملی.

### ۱. مقدمه

نهاد انتخابات با انقلاب مشروطیت به نظام سیاسی ایران وارد شد و تا کنون با فراز و نشیب‌هایی ادامه داشته است. هر چند ایران در عصر ناصری، قوانینی برای اداره کشور تنظیم کرد که می‌توان آن‌ها را در شمار قوانین اساسی به شمار آورد (زرگرنژاد، ۱۳۸۲: ۱۱۱) اما از پایه و اساسی حقوقی که بر طبق آن کشور اداره و روابط بین سازمانهای دولتی و میان دولت و ملت معین شود؛ بی‌بهره بود. در چنین نظامی موضوعیت قانون انتخابات نیز منتفی بود. ابتدا در ۱۷ شهریور ۱۲۸۵ ه.ش مظفردالدین شاه، نظامنامه انتخاباتی را توشیح کرد. این نظامنامه بعد از دو فرمان نخست مظفردالدین شاه، نخستین سند پذیرش دموکراسی و رأی مردمان از راه برگزاری انتخابات بود. از آنجا که بر پایه این نظامنامه، اصناف و طبقات خاصی از جامعه حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داشتند، آن را «نظامنامه انتخابات صنفی» خوانده‌اند. این نظامنامه پایه‌گذار نخستین نهاد مدرن در حوزه حقوق عمومی ایران بود.

«نظامنامه انتخابات دو درجه‌ای» پس از استبداد صغیر و قبل از تشکیل مجلس دوم تنظیم شد. کمیته‌ای شانزده نفری معین گردید و همین کمیته قانون انتخابات را که به «نظامنامه دو درجه‌ای» معروف بود قبل از برکناری محمدعلی شاه از سلطنت، تدوین کرد. این قانون نیز به علت اشکالات و ایرادات بعد از دو سال ملغی شد و در مجلس دوم، سومین قانون انتخابات به نام «قانون انتخابات عمومی یک درجه‌ای» به تصویب رسید. سومین قانون انتخابات مصوب نمایندگان دومین دوره مجلس شورای ملی بود. انتخابات دوره‌های بعدی تا پیروزی انقلاب بر طبق این قانون و تغییرات و اصلاحاتی که در آن به وجود آمد، انجام می‌شد. از سال ۱۲۸۵ ه.ش، یعنی تصویب اولین نظامنامه انتخاباتی در ایران تا سال ۱۳۵۷ ه.ش، به طور کلی، سه قانون جامع انتخابات تصویب شد و سومین قانون، نوزده بار اصلاح شد.

در این راستا سؤال مهم این پژوهش آن است که رابطه بسترهای سیاسی و اجتماعی با تحول قوانین و مقررات نظام‌های انتخاباتی مجلس شورای ملی در ایران عصر مشروطه چگونه بوده است؟ با عنایت به طرح مسئله و سؤال اصلی پژوهش، عوامل اصلی در

شکل‌دهی به بنیادهای نظام انتخاباتی مجلس شورای ملی عصر مشروطه و تغییرات سه‌گانه آن عناصری مانند ایدئولوژی، ساختار طبقاتی و توازن یا عدم توازن آن، عوامل اقتصادی، عرف و سنت حاکم و نوع رژیم سیاسی و ... بوده است. این پژوهش تلاش دارد با روش علی- تبیینی از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، رابطه بین بستر سیاسی و اجتماعی ایران و تحول در قوانین نظام‌های انتخاباتی را به بحث گذارد.

## ۲. پیشینه پژوهش

به‌رغم اهمیت نظام انتخاباتی و گذشت بیش از یک سده از زمان تصویب اولین قانون انتخابات در ایران، هنوز آثار معدودی در ارتباط با این موضوع به رشته تحریر در آمده است. به این نقیصه باید ضعف نسبت آثار حقوقی در ایران با متون تاریخی نیز اضافه کرد. آثار مصطفی رحیمی از جمله معدود آثاری است که در قلمرو حقوق با تاریخ پیوند مناسبی دارد. در کتاب «قانون اساسی مشروطه ایران و اصول دموکراسی» مبنای و اصول قانون اساسی بررسی و پیوند آن‌ها با ایران گفته شده اما نظامنامه‌های انتخاباتی را در برنمی‌گیرد. دکتر قاسم قاسم‌زاده استاد پیشکسوت حقوق اساسی دانشگاه تهران از معدود افرادی است که در مبحث نظام انتخاباتی کتاب خود گریزی به ایران زده و نظام انتخاباتی تناسبی را با روح جامعه ایرانی سازگار دانسته است (قاسم‌زاده، ۱۳۹۳، ۲۷). کتاب «درآمدی بر بنیادهای حقوق اساسی و نظام‌های سیاسی» (۱۳۹۱)، نوشته محمد امامی از جمله معدود کتاب‌هایی است که با تاریخ حقوق پیوند دارد و در مبحث کلی و نظری این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است. کتاب «درآمدی بر حقوق عمومی» (۱۳۸۹)، نویسنده الیزابت زولر، ترجمه و پیشگفتار از سید مجتبی واعظی است: در این کتاب بنیادهای حقوق عمومی آلمان، فرانسه، انگلیس و آمریکا مورد بحث قرار می‌گیرد. این کتاب از حیث روشی می‌تواند الهام بخش مطالعات تاریخی و تحلیلی در حقوق باشد.

«انتخابات در ایران» (احمدی، ۱۳۹۰)، از علی احمدی است. نویسنده به ذکر کلیاتی در باب انتخابات پرداخته و به نام بردن از حوزه‌های انتخابیه و قوانین و تغییرات آن بسنده نموده است. پایان‌نامه‌ای با عنوان «نظام انتخاباتی کارآمد با تأکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی» در سال ۱۳۸۱ توسط مشتاق زرگوش در دانشگاه شیراز دفاع

شد. پایان نامه دیگری نیز با عنوان «جایگاه امر عمومی در نوسازی حقوقی دولت مدرن در ایران» در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه شیراز توسط حجت ژاله دفاع شده است. از آنجا که موضوع پایان نامه مسأله تاریخی-حقوقی است از رویکرد روش شناختی ((تاریخ گرای)) استفاده کرده است. نوسازی حقوقی در ایران و روش تاریخ نگاری آن مورد استفاده این مقاله بوده است. مقاله‌ای با عنوان «قوانین و نظام انتخابات در دوران مشروطه» از جواد اطاعت در دوماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی (اطاعت، ۱۳۸۵) برگرفته از پایان نامه وی در دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. در این مقاله تلاش شده قوانین انتخاباتی تفسیر و تنگناهای نظام انتخاباتی در ایران عصر مشروطه ارائه گرد. مقاله‌ای نیز با عنوان «تحلیلی بر نظامنامه انتخابات ۱۲۸۵ شمسی» در فصلنامه فقه و حقوق اسلامی (۱۳۹۱) منتشر شده است؛ هر چند این مقاله از قوت لازم برخوردار است اما فقط نظامنامه انتخابات صنفی را در بر می‌گیرد و آن را با اصل انتخابات آزاد و منصفانه تطبیق داده است. سائلی کرده ده در کتابی با عنوان «سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران» (۱۳۷۸) تا حدودی به موضوع این مقاله نزدیک شده است اما تأکید آن بر قوانین و تغییرات تا چرایی تغییرات است. ضمن اینکه تلاش نموده برخی از عناصر تأثیرگذار بر نظامنامه‌های انتخاباتی را بررسی نماید. همچنین کتب و مقالاتی در این زمینه وجود دارد که یا به صورت جزئی به موضوع پرداخته‌اند و یا بررسی موضوع در کشورهای دیگر را اساس کار خود قرار داده‌اند.<sup>۱</sup> در مجموع آنچه موجب تمایز این پژوهش می‌گردد تعیین متغیرهایی در رابطه نظام‌های انتخاباتی و بستر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران است.

### ۳. بنیادهای سیاسی و اجتماعی نظام‌های انتخاباتی و تحول آن

در نظام سیاسی که دارای نشانه‌هایی از دموکراسی است نظام انتخاباتی به‌عنوان دماسنج دموکراسی یا قلب تپنده آن عمل می‌کند. عصاره هر نظام سیاسی در نظام انتخاباتی آن جلوه‌گر است؛ بنابراین نیروهای هوادار دموکراسی بر آن تمرکز می‌کنند. در این روند، سیستم‌های سیاسی سعی کرده‌اند از طریق نظام انتخاباتی، نظام سیاسی را بازتولید کنند. در بسیاری از موارد نیز نظام انتخاباتی باعث تغییر در نظام سیاسی شده است (Rae:1971: 9-12). داگلاس ری به خوبی در آثار خود این رابطه را به بحث گذاشته

است<sup>۲</sup>. بدین‌سان نظام انتخاباتی و قوانین آن در هر جامعه در طول زمان در حال تغییر است. نقش عرف هر اجتماع، تکامل عقلی و طبیعی آن، سنت‌های حاکم، روند جهانی شدن و محرک‌های آن، تصادفات تاریخی و البته نظام سیاسی حاکم در تحول این قوانین بسیار مؤثر بوده است.

### ۳.۱. رابطه عناصر تاریخی و حقوقی: مکتب تاریخی و مکتب حقوق طبیعی

هم‌زمان با پیدایش مکتب تحقیقی حقوق در اوایل قرن نوزدهم، عده‌ای به مخالفت با مکتب حقوق طبیعی و اصالت منطق برخاستند. در قرن هیجدهم تصور علماء حقوق بر آن بود که می‌توان دور از جامعه در گوشه‌ای نشست و با استفاده از فلسفه و منطق و ذهنیت معقول، یک نظام حقوقی به وجود آورد که برای هر دوره و زمان و مردم هر کشور مناسب و مفید باشد. برای به وجود آوردن این نظام حقوقی شناخت نظری طبیعت بشر و احتیاجات فطری او کافی تلقی می‌شد. برعکس این، مکتب تاریخی به جای تصور و تخیل راجع به طبیعت بشر، حقوق را محصول مقتضیات تاریخی یک اجتماع می‌دانست و آن را از مظاهر روح مردم به حساب می‌آورد. مؤسس این مکتب ساوینی نام داشت. این مکتب، حقوق را در چارچوب اجتماع و به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. (صانعی، ۱۳۸۱: ۴۶). در این چارچوب، «کمتر مفهومی از علوم اجتماعی را می‌توان یافت که همه هستی خود را مرهون منطق عقلی محض باشد. به تعبیر دیگر، عمده این مفاهیم تاریخ‌مندند و حداقل، بخشی از معنا و حیثیت خود را در وقایع تاریخی می‌یابند و منطق توجیه‌گر آن‌ها آمیخته‌ای از خرد و تاریخ است.» (زولر، ۱۳۸۹: ۲). از این منظر به عبارتی هر نظام حقوقی برشماری بنیادهای پیشاحقوقی استوار است؛ پژوهش در این بنیادها و سنجش جایگاه آن‌ها در تکوین و عملکرد نظام حقوقی ضروری است (ژاله، ۱۳۹۲: ۱۷).

روند مزبور باعث شکل‌گیری رویکرد تاریخی و اخیراً جامعه‌شناسی تاریخی در مطالعات حقوقی شده است. مقصود از «تاریخ‌گرایی»<sup>۳</sup> نگره‌ای است که ماهیت پدیده‌های اجتماعی را به تاریخ آن‌ها پیوند می‌زند چنان‌که شناخت آن‌ها، مطالعه توسعه تاریخی

آن‌هاست.» (فی: ۱۳۸۳، ۲۲۷) باید توجه داشت که از «تاریخ‌گرایی» تعریف‌های دیگری نیز ارائه شده است که بیشتر به «تعمیم‌گرایی قانون‌مدار»<sup>۴</sup> شباهت دارد: تاریخ‌گرایی به معنی باور به وجود قوانین هدایت‌کننده تاریخ، توسعه اجتماعی یا مفهوم پیشرفت هستند و اینکه می‌توان از طریق شناخت ضرب‌آهنگ و الگوها به این قوانین دست‌یافت؛ اما «تاریخ‌گرایی» به معنی رایج‌تر که در مکتب جامعه‌شناسی تاریخی بحث می‌شود به معنای تبیین علت‌یابانه پدیده مورد مطالعه در بستر تاریخی به کار رفته است.

بدین‌سان جامعه‌شناسان تاریخی نظر و توجه حقوقدانان را به تکامل تدریجی و کند اصول حقوقی جلب کرده است. جریان اصلی این مکتب از دهه ۱۹۶۰ به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰ هویت اصلی خود را بازیافت. اکنون آنچه به‌عنوان جامعه‌شناسی تاریخی می‌شناسیم، محصول رویکرد نسل جدید دانش‌پژوهان این حوزه است که معتقدند روند تحول و تکامل جوامع، روندی واحد، تک‌خطی و مشابه نیست بلکه برعکس روندی متفاوت، منحصر به فرد و مبتنی بر شرایط تاریخی آن‌هاست. به طور کلی جامعه‌شناسی تاریخی به مثابه روش‌شناسی بر این اصل بنیادین تأکید می‌کند که پدیده‌هایی که در هر یک از جوامع رخ می‌دهد برآمده از تاریخ و در این میان فرهنگ تاریخی خاص آن جوامع است و از این رو، روند تحولی و تکاملی هر جامعه را باید از میان آن‌ها بیرون کشید و با احتیاط نسبت به قاعده‌بندی آن اقدام کرد (رشیدی، ۱۳۹۴: ۴۵۸).

### ۳.۲. عوامل سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری نظام‌های انتخاباتی

نظام انتخاباتی، آراء را به مناصب و سیاسی تبدیل می‌کند. مهم‌ترین ابعاد نظام‌های انتخاباتی عبارت‌اند از: فرمول انتخاباتی (نظام اکثریت ساده، اکثریت مطلق، نمایندگی تناسبی)، وزن عددی هر حوزه (شمار نمایندگان هر حوزه)، حد نصاب انتخاباتی (حداقل حمایتی که باید هر حزب برای کسب نماینده به دست آورد) و ساختار رأی (امکان رأی دادن به بیش از یک حزب در انتخابات) (بشیریه، ۱۳۸۶: ۳۹۴). آنچه مورد توجه این پژوهش است نه تعریف نظام انتخاباتی بلکه چگونگی شکل‌گیری آن است. هرکدام از نظام‌های حقوق عمومی اعم از نظام انتخاباتی، نظام اداری و ... و به ویژه پس از گذشت

دوران تاریخی و دگرگونی‌های اجتماعی پدید آمده است؛ روح هر جامعه در این نظام‌ها موجب ماندگاری آن‌هاست. دوتوکویل در بررسی انقلاب فرانسه و نظام‌های نوپدید آن معتقد است: «... نه تنها بسیاری از آداب و رسوم و شیوه‌های اندیشه را از رژیم پیشین اخذ کردند بلکه حتی آن ایده‌هایی که انقلابیان را به نابودی این رژیم برانگیختند، نیز از همان رژیم سرچشمه گرفته بودند. برای برپاساختن نظام نوین، از تکه‌پاره‌های گذشته سود جستند.» (دوتوکویل، ۱۳۹۱: ۱۰). از منظر تاریخی نیز در ایران تا قبل از مشروطیت و در کشورهای دیگر تا واپسین سال‌های سده هیجدهم، قوانین اساسی همه کشورها ناشی از عرف یعنی به تدریج برگرفته از عادات، شکل گرفته توسط تاریخ و نبوغ مردمان هر سرزمین بوده و در یک متن نوشته تدوین نشده بود. در دوره پیش از انقلاب مشروطیت، اصول سلطنت به صورت عمده برگرفته از عرف بودند؛ بنابراین در این دوره، عرف نقش مؤسسی داشت و به تولید هنجارها و نهادهای اساسی می‌پرداخت (گرچی، ۱۳۹۵: ۱۱۶۸). در نتیجه از منظر جامعه‌شناسی تاریخی با کنکاش در رابطه نظام انتخاباتی با بستر تاریخی و سیاسی اجتماعی با تأکید بر ایران، می‌توان عناصر ذیل را ارائه کرد: (۱) نظام سیاسی، (۲) توازن طبقاتی و گروهی، (۳) ایدئولوژی سیاسی و مذهبی (۴) عرف و سنت جامعه، (۵) عنصر اقتصادی، (۶) تحولات جهانی و منطقه‌ای، (۷) قانون‌گذاران. تأثیر این عناصر هفتگانه را در هر سه نظامنامه به بحث می‌گذاریم.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

اهمیت مشروطه، در ایجاد رویه‌های سیاسی‌ای در ایران بود که متون حقوقی را شکل دادند. مفاهیم بنیادین در حقوق عمومی از میان این رویه‌های سیاسی نمایان شدند. به‌طور مثال بعد از لغو امتیاز رویترو و تنباکو مفهومی چون امکان اعتراض به فرمان و تصمیم شاه و نیز شکست اسطوره تغییرناپذیری فرمان شاه ایجاد شد و جزء مفاهیم حقوق عمومی گردید. (ویژه و قهوه‌چیان، ۱۳۹۱: ۱۹۹-۱۹۶). با اعلان قانون اساسی مشروطیت و در شرایطی که آشنایی مشروطه‌خواهان با مبانی فلسفه سیاسی مشروطیت بسیار اندک بود، با کوشش‌های حقوق‌دانانی که مقنن بودند، کلیاتی از حقوق عمومی جای فلسفه سیاسی مشروطیت را گرفت و همین آشنایی اجمالی با حقوق جدید مبنایی

برای تبدیل حقوق شرع به حقوق جدید به دست داد؛ بنابراین طباطبایی آن را نظریه حکومت قانون در ایران و تبدیل حقوق شرع به نظام حقوقی جدید می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۳ و ۳۰۸). مهم‌ترین آن، قانون اساسی بود که در چهار سند مهم فرمان اول و دوم مظفرالدین شاه، قانون اساسی و متمم قانون اساسی امروزه از آن یاد می‌شود و آن را به‌عنوان قانون اساسی مشروطه می‌شناسند. برعکس نظر رایج در خصوص ترجمه قانون اساسی مشروطه از قوانین اساسی اروپایی، «تنظیم‌کنندگان قانون اساسی ایران به خوبی تحت تأثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی زمان خود قرار گرفته‌اند و هر یک از مواد و اصول قانون اساسی و متمم آن در عین اینکه نمودار طرز فکر روشنفکران اروپا دیده یا متأثر از افکار اروپایی است، در عین حال منعکس‌کننده نارضایتی‌های طبقات مختلف ملت از اوضاع آشفته و نابسامان عصر و پاسخگوی احتیاجات آن‌ها نیز است» (شجیعی، ۱۳۷۲: ۱۴۷).

با تطبیق مبانی قانون اساسی و اسناد مرتبط با آن با سنت‌ها و عرف جامعه، اینک نوبت به دیگر قوانین بود تا بازتاب توازن نیروهای اجتماعی و نیازهای جامعه باشد. دیگر حوزه حقوقی که مشروطه خواهان از خود ابداعات مهمی برجای گذاشتند نهاد انتخابات بود. آن‌ها با تدوین سه نظامنامه در طول شش دهه مشروطه، سعی در تطبیق این نهاد با عرف و سنت‌های جامعه ایرانی داشتند تا به گفته منتسکیو، روح جامعه را در آن بدمند. بحرالعلوم کرمانی که یکی از آزادی‌خواهان معروف و نماینده دوره اول مجلس شورای ملی بود، در خاطرات خود می‌نویسد نظامنامه انتخابات در حقیقت مقدمه و طلیعه قانون اساسی است و هرگاه در این مرحله ملیون شکست بخورند و نظامنامه انتخابات روی منویات مستبدانه نوشته و به امضاء برسد، محال است یک قانون اساسی که حاکی مصالح عمومی و متضمن منافع ملت باشد، به دست آید. (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۳۹۳). بحرالعلوم کرمانی به خوبی می‌دانست که نظام انتخاباتی نبض دموکراسی و عنصر مهم در تغییر رژیم سیاسی یا برعکس بازتولید آن است.

## ۵. نظام انتخاباتی در ایران

پیشینه انتخابات در ایران البته نه به شکل امروزی، به سده‌های قبل بر می‌گردد زمانی



که اگرچه مردم رسماً کلانتر و کدخدا را انتخاب نمی‌کردند، ولی نظر آن‌ها در تعیین افراد دخیل بود. جان مالکوم در «تاریخ ایران» می‌گوید: «اگر پادشاه کلانتری را تعیین کند که مورد پذیرش مردم نباشد، از اداره امور ناتوان خواهد بود، زیرا در بین مردم احترام و اعتبار لازم را برای انجام این کار نخواهد داشت... برای رفاه مردم هیچ چیزی مهم‌تر از آن نیست که رؤسا و ریش‌سفیدان را انتخاب کنند یا در انتخاب آن‌ها دخیل باشند».

(آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۳) به نقل از (Malcom, 1829: 324-325)، لیکن نظام انتخاباتی از انقلاب مشروطه رسماً وارد درون داد نظام سیاسی-حقوقی ایران شد. نخستین آن نظامنامه انتخابات صنفی بود.

#### ۵.۱. بنیادهای سیاسی و جامعه‌شناختی نظامنامه انتخابات صنفی

اولین قانون انتخابات مجلس شورای ملی دارای ۲ فصل، ۳۳ ماده و ۲ تبصره بود. این قانون که به نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی معروف شد کاملاً اصنافی و طبقاتی بود. ماده اول آن به شرح زیر است: ((انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالات و ولایات باید از طبقات ذیل باشند: شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، ملاکین و فلاحین و اصناف....)) (نظامنامه انتخابات (اصنافی) مجلس شورای ملی مورخه ۱۹ رجب ۱۳۲۴ قمری). همچنین کل کشور به ۱۵۶ حوزه انتخاباتی تقسیم شده بود که مطابق آن تهران ۶۰ کرسی داشت و ایالات دیگر در مجموع فقط ۹۶ کرسی داشتند. فرمول انتخاباتی این نظامنامه، دو درجه‌ای بود. انتخابات ایالات در دو مرحله انجام می‌گرفت، هر طبقه در هر بخش یک نماینده انتخاب می‌کرد و به مرکز ایالتی می‌فرستاد؛ و این نمایندگان سپس نمایندگان ایالتی را بر می‌گزیدند و روانه مجلس می‌کردند. ولی انتخابات تهران در یک مرحله انجام می‌گرفت. (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۱۰) با ۶۰ نفر نمایندگان تهران، مجلس شورای ملی تشکیل می‌گردید<sup>۵</sup>. مجلس این دوره در مهرماه ۱۲۸۵ با حضور مظفرالدین شاه شروع شد و پس از یک سال و هشت ماه به دستور محمدعلی شاه و توسط لیاخوف روسی به توپ بسته شد. نقش عناصر هفتگانه فوق در این نظامنامه به شرح ذیل بود:

۵.۱.۱. **نظام سیاسی:** در رژیم قاجار شاه یگانه مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به کلیه مسائل و امور لشکری و کشوری، فرمانده کل نیروهای مسلح کشور، ولی‌نعمت همه افراد بود و سلطنت او موهبت الهی بود. سه وظیفه حکمرانی، یعنی قانون‌گذاری و اجرایی و قضایی را برعهده داشت (شمیم، ۱۳۷۲: ۳۲۴-۳۲۳). سه قانون اولیه یعنی نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی، قانون اساسی و متمم آن، به امضای شاه و صدراعظم رسید و این نشان‌دهنده مراحل نخستین تفکیک دو دستگاه سلطنت و حکومت بود (سائلی‌کرده، ۱۳۷۸: ۸۸-۸۷). با وجود این، تابع سازوکار کنترلی بود که سه واحد مولد اقتصادی، یعنی روستاها، ایلات، کسبه و پیشه‌وران شهری به وجود آورده بودند و سلطنت به مازاد آن‌ها متکی بود. در درون سامان این پادشاهی غیرمتمرکز، این واحدهای اقتصادی قادر بودند استبداد سلطنتی را مهار کنند و از شدت آن بکاهند (شاکری، ۱۳۸۴: ۴۲-۴۱). در نتیجه شاه نمی‌توانست در فرمان خود سامان طبقاتی جامعه را در نظر نگیرد؛ بنابراین در این نظامنامه ملاک و اصناف توانستند به مجلس راه یابند و سهم خواهی کنند. عشایر نیز در نظامنامه دوم سهم خود را دریافت کردند.

مهم‌ترین تأثیر نظام سیاسی در این نظامنامه، اختصاص سهم برای شاهزادگان قاجاریه بود. مطابق با ماده اول از تهران چهار نفر و از ایالات نیز چند نفر وارد مجلس شدند. برخی نیز مانند احتشام السلطنه به نمایندگی از طبقه ملاک انتخاب شدند. هیچ‌یک از شاهزادگان که از تهران انتخاب شدند از افراد برجسته و معروف نبودند. آن‌ها از مجلس یا می‌ترسیدند یا متنفر بودند... نفوذ و قدرت شاهزادگان و فعالیت سیاسی آن‌ها در خارج از مجلس بود و عکس‌العمل هر یک نسبت به مجلس و مشروطه متفاوت. (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۰۳).

این نظام انتخاباتی هم انتخاب‌کنندگان و هم انتخاب‌شوندگان را محدود می‌کرد اما این محدودیت، سیاسی نبود و رژیم نقشی در آن نداشت. در شرایط انتخاب‌شوندگان ملاک‌های عینی بر شمرده بود و از معیارهایی که باعث تثبیت نظام سیاسی قاجار باشد خبری نبود. تنها معیارهای طبقاتی، سنی، معروفیت محلی، معیارهای اقتصادی، فساد عقیده و نظامی بود که انتخاب‌کنندگان را محدود می‌کرد و همین افراد نیز به اضافه

تبعه‌های خارجی از انتخاب شدن محروم بودند؛ بنابراین نظام سیاسی سعی نمی‌کرد از طریق نظام انتخاباتی سعی در بازتولید خود داشته باشد. نقش شاه در مواد قانونی نظامنامه محدود شده بود و در ماده سی و دوم آمده بود که «در تحت ریاست عالیہ اعلیحضرت اقدس شہریاری خلد الله ملکہ مجلس افتتاح خواهد شد».

**۵.۱.۲. توازن طبقاتی و گروهی:** بیشتر نمایندگان مجلس مؤسسان که نظامنامه را تدوین کرد از تجار، روحانیون و بزرگان اصناف بازار بودند. پس شگفتی‌آور نبود که در این نظامنامه، خاستگاه اجتماعی و علایق منطقه‌ای آنان منظور شده باشد (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۱۰). می‌توان عوامل طبقاتی شدن قانون مزبور را در تأثیر دیدگاه‌های شاه، وضع طبقاتی و اجتماعی جامعه و قوانین انتخابات کشورهای دیگر به خصوص کشورهای غربی، طبقه بندی کرد.

از لحاظ جامعه‌شناسی نیز این مطلب قابل بررسی است؛ بدین ترتیب که در آن زمان شکاف‌های اجتماعی ناشی از مراتب اجتماعی طبقات بود، نه عقاید و ایدئولوژی سیاسی؛ یعنی افراد خود را متعلق به طبقه می‌دانستند نه به یک گروه سیاسی و یا به عقیده‌ای سیاسی. به همین دلیل دیدگاه طبقاتی در فرهنگ و عرف سیاسی آن رسوخ داشت؛ بنابراین ضرورت داشت که انتخابات طبقاتی باشد تا مردم به آسانی بتوانند آن را درک نمایند. علت احتمالی دیگر این بود که اصناف و طلاب هم به مجلس راه یابند؛ زیرا اگر انتخابات عمومی بود و هر گروه نامزدهای خود را اعلام می‌نمود، چه بسا به این دو طبقه آن‌قدر رأی نمی‌دادند تا بتوانند به مجلس راه یابند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۰۲). بدین سان سی و دو نماینده اصناف تهران به مجلس راه یافتند و اکثریت را از آن خود کردند<sup>۶</sup>.

طبقاتی شدن نظامنامه نوعی سهم‌خواهی طبقات و شئون مشارکت‌کننده در انقلاب نیز بود. جان فوران در تحلیل خود از انقلاب مشروطه معتقد است انقلاب بیش از همه دستاورد پیشه‌وران و روشنفکرانی بود که با دربار، قدرت‌های خارجی و زمین‌داران مبارزه کردند؛ بازرگانان یکپارچه نبودند و تا آخر امر نیز تزلزل داشتند. روحانیان نیز مثل بازرگانان بودند و بسیاری به تدریج در برابر انقلاب ایستادند. ایلخانان و رؤسای قبایل و

عشایر نیز در دو طرف مبارزه دیده می‌شدند و طبقه‌های پایین شهری نیز چنین بودند. طبقه کارگر از انقلاب حمایت کرد اما به دلیل تعداد اندکش تأثیر چندانی بر انقلاب نداشت. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۷۲). زنان در طیف گسترده و چشمگیری فعالیت می‌کردند و تقریباً همگی در اردوی انقلاب بودند. حضورشان در اغلب رویدادهای کلیدی و از جمله بست نشینی‌های ۱۲۸۵-۱۲۸۴ تهران، تظاهرات تبریز که منجر به ابقای مشروطه شد و مقاومت آذر و دی‌ماه ۱۲۹۰ ثبت شده است. محروم کردنشان از حق رأی نیز آنان را از مشارکت در آموزش سیاسی و سایر اشکال فعالیت مثل تأسیس مدرسه و روزنامه باز نداشت. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۷۶).

دو طبقه ایل نشینان و دهقانان در بهترین حالت خود اجزا کمی انقلاب بودند و به خاطر وجه تولیدی و انزوای جغرافیایی با انقلاب ارتباط چندانی پیدا نکردند؛ اما سران آنها، یعنی رؤسای ایلات و ملاکان فعال‌تر بودند. در فاصله سال‌های ۱۲۹۰-۱۲۸۴ رؤسای قبایل و ایلخانان ایران به ابقای نقش‌های متنوعی پرداختند. عده زیادی از آنها در انقلاب درگیر نشدند و عده‌ای نیز با استفاده از انقلاب به راهزنی پرداختند. معدودی نیز سودای قدرت را در سطح ایالت یا کشور در سر می‌پروراندند (فوران، ۱۳۹۲: ۲۸۰). در این قانون، عشایر دسته مجزایی محسوب نشدند. عشایر قشقایی، لر و بختیاری خواهان اعزام نماینده به مجلس بودند. در مجلس پیشنهاد شد که عشایر دارای بیش از سی هزار عضو در مجلس نماینده داشته باشند اما بحث در این باره ادامه نیافت (آفاری، ۱۳۸۵: ۹۳).

**۵.۱.۳. ایدئولوژی سیاسی و مذهبی:** یکی دیگر از عناصر تأثیرگذار در اولین نظامنامه انتخابات عنصر ایدئولوژی بود. اگر ترکیب طبقاتی مجلس را در نظر بگیریم درمی‌یابیم که در تقسیم‌بندی‌ها در مجلس اول ایدئولوژی سیاسی هم نقش داشت. در مجلس اول احزاب سیاسی به این معنا وجود نداشت. فقط رادیکال‌ها (تندروها) و محافظه‌کارها بودند. به گفته فریدون آدمیت شاید بهتر باشد از چهار موضع سیاسی در مجلس اول سخن بگوییم: از محافظه‌کار، میانه‌رو تا لیبرال و رادیکال (آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت: ۳۶۱).

در مجموع، تحولات ایدئولوژیکی در انقلاب مشروطیت به دو شکل دینی و غیردینی

نمود یافت. روشنفکران پدیدآورندگان اصلی و طبیعی اندیشه‌های غیردینی (سکولار) مجلس، قانون اساسی و مشروطیت بودند. در سال ۱۲۸۴ این آرمان‌ها به صورت مطالبه عدالت‌خانه و در سال ۱۲۸۵ مطالبه مجلس شورای ملی، حکومت مشروطه و قانون اساسی تجسم یافت. این دو تقاضای بزرگ که از آن روشنفکران بود در نخستین مرحله انقلاب تحقق یافت. برابری خواهی به طور منطقی عنصری از این آرمان بود که به شکل‌های مختلفی از جمله برابری همه اتباع کشور (در نتیجه برابری جوامع مذهبی) و در مواردی برابری زن و مرد در می‌آمد. از ارزش‌های محوری دیگر نیاز به بیرون کشیدن ایران از وابستگی سیاسی و اقتصادی به غرب بود. در دی و بهمن ۱۲۸۵ به دنبال دومین بست‌نشینی برای نخستین بار فریاد زنده‌باد ملت ایران به گوش رسید. حالا ناسیونالیسم به معنی تصدیق حقوق ایران در مقابل غرب و در عین حال تصدیق حقوق مردم در برابر دولت بود. حوزه دیگری که ناسیونالیسم میان مسائل داخلی و خارجی پیوندی برقرار می‌نمود تقاضای دادوستد آزاد در ایران و مرتبط دانستن این تقاضا با اندیشه و فکر برابری و ترقی بود. تحول نیروهای تولیدی ایران به سلطه بیگانه ضربه می‌زد و فرصت‌هایی را در اختیار بازرگانان، پیشه‌وران و کارگران کشور قرار داد. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۸۸-۲۸۹).

علما می‌خواستند مانع انتخاب دگر باوران دینی به نمایندگی مجلس شوند و به دنبال راهی می‌گشتند که این مسئله را حل کنند. شاید به دلیل همین مخاصمه بود که هیچ‌یک از سه روشنفکر برجسته بابتی ازلی نهضت، سیدجمال واعظ، ملک‌المتکلمین و یحیی دولت‌آبادی وارد انتخابات نشدند (آفاری، ۱۳۸۵: ۹۳). به استثنای یک عضو زرتشتی، مجلس به عنوان یک نهاد کاملاً اسلامی مشروعیت یافت. یحیی دولت‌آبادی که نقش زیادی از لحاظ فکری در مشروطه داشت می‌گوید: «پس از قرائت نظامنامه، روحانیان به بعضی از مطالب آن اعتراض کرده و خواهان برخی اصلاحات در آن شدند. اقدام این گروه از علما در تلاش برای تطبیق نظامنامه با قوانین اسلامی با مخالفت شدید تجددگرایان دارای افکار و تمایلات سکولاریستی روبه‌رو شد. گروهی از مردم نیز با اجتماع علیه بهبهانی و بدگویی نسبت به او، وی را به پذیرش نظامنامه مجبور ساختند» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۸۷).

با وجود این، حاکمیت شرع در بخش‌های مختلف نظامنامه تجلی یافت. مطابق بند

۴ ماده ۹ نظامنامه مجلس شورای ملی، «اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع‌الشرایط به ثبوت رسیده باشد نمی‌توانستند به انتخاب نماینده مجلس شورای ملی بپردازند» و ماده ۱۲ «انتخاب شوندگان باید متدین به دین حضرت محمد ابن عبدالله می‌بودند». فساد عقیده نیز در این نظامنامه هم مانع انتخاب شدن و هم انتخاب کردن بود.

۵.۱.۴. عرف و سنت جامعه: نظام قانون‌گذاری مشروطه در تبدیل نظام شرعی و سنتی حاکم به نظام قانون‌گذاری عرفی بسیار موفق بود. این نظام حقوقی که نخستین نظام حقوق عرف در ایران به شمار می‌آمد به لحاظ مبانی، نظام حقوقی جدید بود اما بر مواد نظام سنت، اشراف داشت و بر پایه تفسیر نوبی از شرع، مغایرت‌های برخی از مواد آن را با مبانی فلسفه حقوق جدید رفع کرد.<sup>۷</sup> (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۴). به نظر می‌رسد در تدوین نظامنامه نخستین نیز، نظام شرعی و نظام عرفی و استخراج قوانین عرفی بر مبنای آن مورد نظر قانون‌گذاران بوده است. از جمله رساله‌های مورد توجه آن‌ها رساله یک کلمه بود که در آستانه مشروطه برحسب نیاز تجدید چاپ شده بود. مستشارالدوله از مفهوم مشورت و وکالت در اسلام برای تبیین مفهوم نمایندگی بهره می‌برد (مستشارالدوله، ۱۳۸۶).

یکی از تأثیرات عرف و سنت‌های جامعه در دوران مشروطه و در اولین نظامنامه انتخابات این بود که با اینکه زنان در اجتماعات و اعتراضات شرکت داشتند ولی در هنگام انتخاب شدن و انتخاب کردن هیچ حقی برای خودشان در نظر نمی‌گرفتند. مطابق مواد ۳ و ۵ زنان حق شرکت در انتخابات را نداشتند و در کنار دزدان و ورشکستگان به تقصیر، از حق انتخابات محروم بودند. یکی دیگر از تأثیرات عرف حاکم بر جامعه بر اولین نظامنامه انتخابات این بود که حق مشارکتی برای اقلیت‌های دینی در انتخاب کردن و انتخاب شدن قائل نبودند. بنا بر دلایلی اقلیت‌های دینی (به جز زرتشتیان به خاطر حمایت گسترده آیت‌الله بهبهانی از آن‌ها) از داشتن نماینده در مجلس محروم شدند؛ اما برای اینکه محرومیت آنان به طریقی جبران شود، قرار شد که حق داشتن نماینده به آیت‌الله سید محمد طباطبایی و بهبهانی تفویض شود. در نتیجه ارمنی‌ها و یهودیان به

ترتیب، حقشان را به آقایان طباطبایی و بهبهانی واگذار کردند (کرمانی، ۱۳۶۳: ۵۸۴). علت اصلی این محرومیت را باید در عرف مذهبی حاکم در آن عصر جست: اول اینکه عقیده عمومی مسلمانان این بود که چون بین مسلمانان و غیرمسلمانان در حقوق مدنی و حقوق کیفری نابرابری وجود دارد، پس در حقوق سیاسی و اجتماعی این نابرابری موجود است. (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۱۴۵-۱۴۴). از دیگر نشانه‌های تأثیر عرف بر شکل‌دهی به نظامنامه، خروج افراد از دایره انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان با معیار فساد عقیده بود. روز برگزاری انتخابات نیز جمعه تعیین شده بود (ماده ۲۷ نظامنامه).

**۵.۱.۵. عنصر اقتصادی:** یکی از متغیرهای اساسی در شکل‌دهی به اولین نظامنامه انتخابات، عنصر اقتصادی بود یعنی هر کسی با هر مقدار وضعیت مالی و اقتصادی نمی‌توانست در این انتخابات شرکت کند. بلکه میزان خاصی از داشتن دارایی و اموال یکی از شروط اساسی شرکت در انتخابات بود. از میان شش دسته از رأی دهندگان، برای سه دسته مالکان و فلاحان، تاجران و اصناف چه در نامزدی انتخابات و چه در رأی دادن، شرط حداقل ثروت تعیین شد (آفاری، ۱۳۸۵: ۹۲). مطابق بند چهارم از ماده دوم که درباره شرایط ایجابی و مطلق انتخاب کنندگان است، کسانی حق رأی دادن داشتند که مالک زمین به ارزش ۱۰۰۰ تومان می‌بودند. ((ملاکین و فلاحین آن‌ها باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد.)) ملاکین می‌بایست حداقل زمینی به ارزش یک هزار تومان (۲۰۰ پوند استرلینگ) را مالک باشند و با این معیار دهقانان عمدتاً از این حق محروم می‌شدند. بازرگانان و اصناف نیز می‌بایست کسب‌وکار مشخصی داشته باشند؛ بنابراین کارگران و تهیدستان شهری نیز از حق انتخاب شدن محروم ماندند (فوران، ۱۳۹۲: ۲۶۲). تدوین کنندگان از این بیم داشتند که اگر این قید نباشد، روستاییان به قدرت رسیده و از طریق قدرت سیاسی به قدرت اقتصادی و تمول و مالکیت دست یابند و با وضع قانون، مالکیت اعیان، اشراف، ایلخانان و زمین‌داران بزرگ را محدود سازد (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۱۳۶).

در ایران آن روز هنوز سیاست با نوعی اشرافیت قرین بود و حضور توده‌ها را در سیاست به صواب نمی‌دیدند. برخی مخالفت‌ها با مشروطه نیز از زاویه برابر شدن و

صاحب‌رأی مساوی بودن بقال و علما و شاهزادگان قجری بود. بدین سان عنصر اقتصادی در نظامنامه به‌عنوان متغیری محدودکننده عمل می‌کرد و مانع از عمومی شدن سیاست می‌شد. نکته مهم این است که این محدودیت هم برای انتخاب کنندگان و هم انتخاب شونده‌گان بود.

**۵.۱.۶. تحولات جهانی و منطقه‌ای:** در انقلاب مشروطیت دو بازیگر قدرتمند خارجی نیز دخالت داشتند. یکی انگلستان که نقش تابع را بازی می‌کرد و حمایتش از انقلاب در بهترین حالت ابهام‌آمیز و در بدترین حالت صریحاً خصمانه بود. مثبت‌ترین اقدام سفارت تسهیل اعتصاب عمومی سال ۱۲۸۵/۱۹۰۶ بود که نهایتاً منجر به صدور فرمان مشروطیت شد. هر وقت انقلاب حالت تندروی به خود می‌گرفت خبری از حمایت و بی‌طرفی بریتانیا نبود و در برابر مداخله روس‌ها اعتراضی به عمل نمی‌آورد. انگلستان با قرارداد ۱۹۰۷ مهر پایان بر حمایت جدی خود از انقلاب مشروطیت زد و مخالفت با نقشه‌های ضد مشروطه‌خواهی روسیه را کنار گذاشت. روسیه در سرتاسر دوران انقلاب مشروطیت به مخالفت علنی با آن پرداخت هر چند در سال سرنوشت‌ساز ۱۲۸۵ به خاطر مسائل داخلی (انقلاب) و خارجی (نبرد با ژاپن) دستش بسته بود و همین امر نقش مهمی در پیروزی سریع و اولیه انقلاب داشت (فوران، ۱۳۹۲: ۲۸۳). به نظر می‌رسد در تدوین نظامنامه تحولات مشروطه عثمانی که قبل از ایران آغاز شده بود نیز به‌ویژه در اسلامی دیدن معیارها نقش داشت. از طرف دیگر نیز نخستین کتاب‌ها و نوشتارها با مفاهیم جدید از طرف هند به ایران وارد می‌شد. نظامنامه در این فضای منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفت.

ملک زاده تأثیر انقلاب مشروطه روسیه (۱۹۰۷-۱۹۰۵) بر انقلاب مشروطه ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۵) را به مراتب بیشتر از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه می‌داند زیرا اولاً انقلاب‌های روسیه و ایران هم‌زمان بودند و ثانیاً نواحی شمالی و مراکز اصلی نهضت انقلابی ایران در یک خط مرزی به طول بیش از ۲ هزار کیلومتر در همسایگی روسیه بود. روشنفکران و آزادیخواهان ایران، نهضت آزادیخواهی روسیه را به دیده تحسین می‌نگریستند و از آن الهام و الگو می‌گرفتند (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۱۳). تأثیر آرمان‌های انقلاب فرانسه نیز به



خصوص شعار «حریت، مساوات، اخوت» و اعلامیه حقوق بشر در بسیاری از نوشته‌های دوران مشروطیت آشکار بود. کتاب حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول نوشته میرزا محمدعلی خان ذکاء الملک، حقوق بشری تألیف میرزا سید ابراهیم خان و سلطنت لوئی شانزدهم یا شورش فرانسه از آن نمونه‌اند. (توکلی طرقي، ۱۳۸۲: ۲۳۲).

۵.۱.۷. قانون‌گذاران: گروهی از مشروطه خواهان نخبه با استفاده از منابع اروپایی به تنظیم نظامنامه انتخابات کمک کردند از جمله صنیع‌الدوله (داماد شاه) و برادرش مخبرالسلطنه؛ دو پسر مشیرالدوله صدراعظم و محتشم‌السلطنه؛ دیپلماتی که سال‌ها در هند و آلمان خدمت کرده بود (آفاری، ۱۳۸۵: ۹۳). تعدادی از آنها در مدرسه دارالفنون به تحصیلات جدید پرداخته بودند. بررسی زندگینامه و پیشینه شغلی اعضای هیئت پنج نفره<sup>۸</sup> (محتشم‌السلطنه، مشیرالملک، مؤتمن الملک، مخبرالسلطنه و صنیع‌الدوله) (بامداد، ۱۳۴۷، ج یک تا ۵)، در تدوین نظامنامه نشان می‌دهد که همگی دولتی بوده‌اند و مقامات و مناصب مهم رسمی داشته‌اند. این افراد تحصیل کرده اروپا و مطلع از فرهنگ اروپا و عالم در حقوق، حقوق سیاسی، حقوق اساسی، حقوق بین‌الملل، روابط و سیاست بین‌الملل بودند.

## ۵.۲. بنیادهای سیاسی و جامعه‌شناختی نظامنامه انتخابات دودرجه‌ای (۱۲۹۰ - ۱۲۸۸ ه.ش).

این نظامنامه دارای ۹ فصل، ۶۳ ماده و ۴ تبصره بود. انتخابات آن غیرمستقیم و دو درجه‌ای بود. انتخابات درجه اول به اکثریت نسبی و انتخابات درجه دوم به اکثریت مطلق بود. علت دو درجه شدن نظامنامه و همچنین لغو صنفی بودن انتخابات این بود که نمایندگان معتدل و غیرانقلابی باشند تا روال کار مجلس شورای ملی بیشتر کنترل‌پذیر گردد. دلیل دیگر آن بود که اوضاع و احوال روز اجازه نمی‌داد که مجلس صنفی فوراً تبدیل به یک درجه شود لذا درصدد برآمدند سیستم دو درجه را ملاک قرار دهند. این دوره بعد از یک فترت ۱۷ ماهه، یعنی پس از فتح تهران به دست مجاهدین، در آبان ۱۳۸۸ گشایش یافت. به موجب قانون جدید انتخابات، سن رأی‌دهندگان و میزان ثروت

داوطلبان نمایندگی کاهش داده شد. از قضا این قانون راه را برای ورود نمایندگان بیشتری به مجلس هموار نمود و بر تعداد نمایندگان ایالت‌ها افزوده شد. نقش عناصر هفتگانه در این نظامنامه به شرح ذیل بود:

**۵.۲.۱. نظام سیاسی:** در این مقطع، پادشاه به‌عنوان یکی از ارکان نظام سیاسی سعی در تغییراتی در نظامنامه انتخاباتی دارد و رابطه مجلس که درصدد تغییر در نظامنامه است و پادشاه که سعی در بازتولید استبداد قاجاریه است مناسب نبود. صرف وجود مشروطیت و محدودیت‌هایی که بر قدرت قانون‌گذاری پادشاه اعمال می‌نمود، موقعیت مادی و ایدئولوژیکی قاجاریه را تضعیف می‌کرد. محمدعلیشاه ابتدا در ۱۲۸۶ ش از امضای قانون اساسی خودداری ورزید و مشروطیتی از نوع آلمان را برای ایران (فوران، ۱۳۹۲: ۲۸۰) ترجیح می‌داد. یک نیروی مخالف مسلح علیه مجلس ایجاد و در آذر و دی ۱۲۸۶ جماعت سلطنت‌طلب را در میدان توپخانه بسیج کرد. در رأس دولت، حکام ایالت‌ها، شاهزادگان قاجاری، همه مستمری‌بگیران و حدود ۲ هزار نفر درباری بودند که وسیله معیشت همگی بر اثر قطع بودجه کلان دربار از سوی مجلس، محدود می‌شد (فوران، ۱۳۹۲: ۲۸۲). در نتیجه به دستور شاه مجلس اول به توپ بسته شد؛ اما بعد از تعطیلی مجلس و حرکت انقلابیون به سمت تهران و فشار روس و انگلیس، محمدعلی شاه ناگزیر عقب‌نشینی کرد و نظامنامه مورد نظر مجلس را پذیرفت.

به‌طورکلی نقش محمدعلی شاه در مورد تدوین دومین قانون انتخابات، بسیار جزئی بود و به صدور چند دست خط درباره افتتاح مجلس شورای ملی، تاریخ برگزاری انتخابات و فرمان تدوین انتخابات و ایراد چند اشکال بر برخی مواد قانون انتخابات محدود بوده است. اشکالات و اعتراضات شاه به قانون انتخابات که در تاریخ ۱۵ خردادماه ۱۲۸۸ ه.ش گرفته شده، به قرار زیر است: الف) حق ایالات عمده در داشتن نماینده: شاه می‌گفت که انتخاب ایالات باعث تولید اغتشاش می‌شود؛ همچنین به علت وجود دشمنی دائمی بین طوایف کوچک عشایر، انتخاب یک نماینده از میان آنان را عملاً غیر قابل اجرا می‌کند. ب) تعدد نمایندگی یک فرد در دوره‌های مختلف: شاه بیان می‌کرد که وکیل بعد از انقضا مدت انتخاب، چرا باید دوباره انتخاب شود. ولی بعد، تدوین‌کنندگان برای شاه

توضیح دادند که این مسأله غیرممکن است. زیرا هیچ‌وقت نمی‌شود افراد ملت را از انتخاب ثانوی وکیل بازداشت و اگر این مسأله را صورت قانونی بدهند، برخلاف روح مشروطیت خواهد شد. محمدعلی شاه نیز پس از شنیدن توضیحات گفته‌شده، اعتراضات خود را پس گرفت و بعداً قانون را به همین ترتیب که مرتب شده بود، امضا نمود. قابل توجه است که دو اشکال مذکور به ترتیب به مواد ۲۴ و ۵۸ نظامنامه انتخابات دو درجه‌ای بوده است (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۱۶۲-۱۶۰).

**۵.۲.۲. توازن طبقاتی و گروهی:** اساس نظامنامه دوم بر سازش بین ایلات، شئون، دولت و دربار بود. در قانون انتخابات دو درجه‌ای قید اختصاص به طبقات معین که در قانون انتخابات صنفی ذکر شده بود از بین رفت و به همه طبقات به غیر از بانوان حق شرکت در انتخابات داده شد. اقلیت‌های مذهبی و ایلات و عشایر بختیاری، شاهسون، قشقایی و ترکمن و عشایر خمسه فارس صاحب حوزه انتخاباتی جداگانه شدند. قانون قبلی حضور اصناف را در مجلس تضمین می‌کرد اما در این قانون دیگر انتخاب اصناف و تجار به نمایندگی مجلس الزامی نبود؛ بنابراین کفه ترازو در مجلس دوم به نفع طبقات ثروتمند و متنفذتر، زمین‌داران، اشراف، روحانیان و دیوانسالاران حکومتی برگشت و تعداد نمایندگان تاجران، اصناف و طبقات پایین بسیار کاهش یافت. به این ترتیب جنبه صنفی یا منزلتی نمایندگی به جنبه مساوات گرایانه و بورژوازی مبتنی بر مالکیت تبدیل شد (آفاری، ۱۳۸۵: ۳۴۰).

اصناف و پیشه‌وران عمدتاً در مسیر انقلاب تزلزلی نشان ندادند بلکه از ائتلاف جدید رؤسای ایلات و سایر عناصر نخبگان که در آخرین مراحل انقلاب به صحنه آمدند و بازی را بردند، کنار نهاده شدند (فوران، ۱۳۹۲: ۲۷۴). بعد از سال ۱۲۸۸ چون زمین‌داران تا رهبری مشروطه ارتقا یافتند با حذف طبقات، در مجلس دوم نسبت تعداد آن‌ها - رؤسای قبایل و دیوانسالاری زمین‌دار قاجار- به کل نمایندگان تا ۶۸ درصد افزایش یافت. به جای روحانیت مخالف دربار و پیشه‌وران و اصناف، این گروه‌ها آمدند و بدین‌وسیله آرمان مشروطیت را تا حد ممکن کمرنگ کردند (فوران، ۱۳۹۲: ۲۸۱). برای پنج ایل بزرگ، پنج کرسی و برای نمایندگان ارمینان، نسطوریان، زرتشتیان و یهودیان نیز هرکدام

یک کرسی در نظر گرفته شد (فوران، ۱۳۹۲: ۲۶۵).

**۵.۲.۳. ایدئولوژی سیاسی و مذهبی:** رادیکالیزه شدن فضای سیاسی و حضور ایلات و برخی ملاکان در صف انقلابیون و به‌ویژه قفقازیون منجر به تغییر بستر سیاسی و اجتماعی ایران در زمان تدوین نظامنامه دوم نسبت به نظامنامه نخستین شد. فضای سیاسی تحت تأثیر حضور قفقازیون و اندیشه‌های برابری بود اما فضای اجتماعی متأثر از دو قطبی شدن علما و حضور برخی ملاکان و سران ایلات در فتح تهران محافظه‌کارانه شده بود. نتیجه این روند حذف طبقاتی بودن انتخابات و عمومی شدن آن بود. این حذف نتیجه تلاش انقلابیون و دموکرات‌ها بود لیکن پیامد آن به سود گروه‌هایی تمام شد که ایدئولوژی سیاسی آن‌ها محافظه‌کارانه بود و بستر اجتماعی را در دست داشتند. به گفته یحیی دولت‌آبادی «مجلس دوم راه ورد به سیاست را به مرتجعین نشان داد (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۱۵۲-۱۵۱). نظامنامه جدید به تدریج راه را برای تأسیس احزاب سیاسی در ایران نیز هموار کرد که نتیجه اختلاف عقیده و شکاف ایدئولوژیک در بین وکلای مجلس اول بود. نتیجه تلاش‌های انقلابیون و دموکرات‌ها در نظامنامه دوم، لغو طبقاتی بودن، کاهش سن منتخبین از ۲۵ سال به ۲۰ سال، تقلیل شرایط مالکیت به ۲۵۰ تومان (اگر انتخاب‌کننده باسواد بود هیچ شرط تملکی لازم نداشت بود) و کاهش نمایندگان تهران و افزایش نمایندگان آذربایجان به‌عنوان مدافع انقلاب بود.

چند تغییر دیگر نیز در قانون انتخابات باید مورد توجه قرار داد که نه فقط بر مجلس تأثیر گذاشت بلکه نشانه مصالحه عمده‌ای با علما و کاهش اعتماد به انجمن‌ها بود. قانون جدید بابیان و بهاییان را از فرایند سیاسی حذف می‌کرد. همچنین در فهرست نامزدی مجلس، این شرط جدید گنجانده شده بود که نمایندگان باید پایبندی خود به دین اسلام را اعلام کنند. سه نماینده مسیحیان، یهودیان و زردشتیان نیز می‌بایست مؤمن به کیش خود باشند. (آفاری، ۱۳۸۵: ۳۴۱).

**۵.۲.۴. عرف و سنت جامعه:** هنوز سنت‌های جامعه ایرانی تأثیر زیادی داشتند و حتی از اصول مذهبی تأثیرگذاری بیشتری نشان می‌دادند. اگر اقلیت‌های مذهبی توانستند نماینده داشته باشند هنوز زنان اجازه انتخاب شدن و انتخاب کردن نداشتند. بند اول درباره

محرومیت زنان از انتخاب کردن و بند دوم درباره محرومیت آن‌ها از انتخاب شدن است. شاید بتوان دو علت را برای تحریم زنان بیان داشت: علت اول اینکه مبنای تدوین دومین نظامنامه، اولین نظامنامه بود و در نظامنامه اخیر زنان از این حق محروم بودند و چون دومین نظامنامه با سرعت تدوین گردید، موضوع حق رأی و نماینده شدن آن‌ها به وسیله تدوین‌کنندگان جدی تلقی نگردید. علت دوم حمایت‌های علمای نجف از انقلابیون و ملیون بود و تدوین‌کنندگان می‌خواستند که این حمایت‌ها همچنان باقی بماند. جالب توجه اینکه در هیچ‌یک از اسناد و مدارک مربوط به انقلاب مشروطیت دیده نشده که زنان به این محرومیت اعتراض یا انتقادی کرده باشند؛ شاید بدین علت که رسوم و باورهای زمان چنین اقتضایی را داشته است (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۱۸۹-۱۸۸).

موضوع بعدی حق رأی دادن و انتخاب شدن اقلیت‌های دینی بود که در این نظامنامه به آن‌ها داده شد. مطابق بند یک ماده هفت نظامنامه: ((مؤمنان به دین حضرت محمد ابن عبدالله (ص) باشند مگر نمایندگان ملل مسیحی و زرتشتی و یهود که آن‌ها هم باید در دین خود ثابت العقیده باشند)). یکی از علل گنجاندن چنین ماده‌ای در نظامنامه این بود که مسیحیان در مرحله دوم انقلاب نقش بسزایی داشتند. آنان همچنین در ارتباط نزدیک و مستقیم با انقلابیون آذربایجان بودند و از طریق انجمن ایالتی آذربایجان توانستند صاحب‌رأی و نماینده شوند. از طرف دیگر اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در آن هنگام اقتضا نمی‌کرد که به مسیحیان حق مشارکت سیاسی داده شود ولی به کلیمیان و زرتشتیان چنین حقی اعطا نگردد. همچنین میان علمای نجف تا حدودی تسامح مذهبی ایجاد شده بود. بدین صورت که آنان عقیده داشتند تا آنجا که فعالیت سیاسی اقلیت‌های دینی مخل امنیت، نظم و آرامش و اساس دین مبین اسلام نباشد، می‌توانند آزاد باشند. همچنین آیت‌الله نائینی قائل به حق مشارکت سیاسی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن اقلیت‌های دینی بود (نائینی، ۱۳۹۰: ۶۱ و ۸۹). آیت‌الله نائینی معتقد بود «این گروه از ساکنان قلمرو سرزمینی ایران به اعتبار اشتراک در مالیه و غیرهما و هم به واسطه توقف تمامیت و رسمیت شورویت عمومیه بر دخولشان در امر انتخاب» شهروندان دولت ملی ایران بشمار می‌آیند و از آنجا که مشروطیت نظام سیاسی جز با رایزنی با همه شهروندان کامل نمی‌شود، آنان نیز لامحاله باید در انتخابات شرکت کنند (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۵۲۰).

**۵.۲.۵. عنصر اقتصادی:** در این زمان حضور طبقات پایین در سیاست را چندان به صلاح نمی‌دانستند و هنوز سیاست با نوعی اشرافیت قرین بود. تنها راه ممانعت از حضور طبقات پایین تعیین حداقل ثروت بود. این ماده در بند چهارم از ماده چهارم انتخابات دو درجه‌ای ذکر شده است که شخص انتخاب‌کننده یا انتخاب‌شونده باید: ((لااقل دارای ۲۵۰ تومان علاقه ملکی یا ده تومان مالیات بده باشند و یا پنجاه تومان عایدی سالیانه داشته و یا تحصیل کرده باشند.))

هر چند شرایط مالی در این قانون نسبت به قانون قبلی به مقدار قابل توجهی کاهش پیدا کرد؛ اما هنوز به‌واسطه این مقدار شرایط مالی، تعداد زیادی از مردم از انتخاب کردن محروم بودند. عده‌ای امیدوار بودند که با تقلیل شرایط مالی، مجلس بیشتر از گذشته دموکراتیک و انقلابی گردد و بتواند اصلاحات سیاسی و اجتماعی انجام دهد اما در عمل این مجلس از مجلس قبلی کمتر دموکراتیک گردید، زیرا نمایندگان اصناف که نمایندگان طبقه پایین جامعه را تشکیل می‌دادند در آن شرکت نکردند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۸۹).

**۵.۲.۶. تحولات جهانی و منطقه‌ای:** در این نظامنامه برعکس نظامنامه نخستین، نفوذ روس و انگلیس افزایش یافت. در این مقطع آن‌ها شاه را تحت فشار قرار دادند که مجلس جدید را تشکیل دهد و نگران ورود انقلابیون به تهران بودند. دو دولت خواستار اعاده نظم و امنیت در کشور بودند و ناآرامی و جنگ داخلی را همسو با منافع ملی خود نمی‌دانستند؛ بنابراین تنها راه اعاده صلح و آرامش را احیای مشروطیت، احیای قانون اساسی و متمم آن و افتتاح مجلس شورای ملی می‌دانستند. دو دولت خواهان مجلسی میانه‌رو و معتدل بودند؛ لذا لازم بود که قانون جدید انتخابات منطبق با نیت آن‌ها باشد و به همین دلیل دیپلماسی فعالی را برای متقاعد کردن شاه و اطرافیان وی آغاز کردند و برای این کار از روش‌های درخواست، توصیه، سفارش، هشدار و تهدید به زور استفاده کردند و حتی پرداخت وام به ایران را منوط به اعطای مجدد مشروطیت کردند (سانلی کرده، ۱۳۷۸: ۱۷۶).

از سوی دیگر، اگر انقلاب فرانسه در متن متمم قانون اساسی نقش برجسته‌ای داشت، تأثیر بیشتر آن در عمومی شدن انتخابات بود. حزب دموکرات که نقش زیادی در نظامنامه

دوم داشت، در تدوین مرام‌نامه و اساس‌نامه خود از انقلاب فرانسه الگوبرداری کرد. پس از خلع محمدعلی شاه، هیئت مدیره موقتی تشکیل شد که از هیئت مدیره فرانسه در سال ۱۷۹۹ الهام گرفته بود. تشکیل قوای ملی، مبارزه با شاه، فتح تهران و خلع او همانندی‌های دو انقلاب بود (توکلی طرقی، ۱۳۸۲: ۲۳۲).

**۵.۲.۷. قانون‌گذاران:** مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تکوین محتوای سیاسی و حقوقی نظامنامه دوم، کمیسیون ویژه تدوین، کمیته‌ای به نام ملیون که بعد از به توپ بستن مجلس تشکیل شد و انجمن آذربایجان به نمایندگی از سایر انجمن‌ها بوده است.<sup>۹</sup> اعضای تشکیل‌دهنده کمیسیون ویژه تهیه و تدوین نظامنامه انتخابات هم از دولتیان بودند و هم از ملیون و به احتمال زیاد بایستی بین دو گروه بر سر محتوای نظامنامه مشاجرات و مناظرات بسیاری رخ داده است که در نهایت منجر به سازش و مصالحه آن دو گروه گردید (سانلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۱۶۹). شخص صدراعظم، ناصرالملک نیز که تحصیل‌کرده آکسفورد بود بر حذف طبقاتی بودن نظامنامه و رفتن به سمت تأسیس احزاب سیاسی تأثیرگذار بوده است.

### ۵.۳. بنیادهای سیاسی و جامعه‌شناختی قانون انتخابات یک‌درجه‌ای

انتخابات دوره سوم قانون‌گذاری مطابق قانون انتخابات مصوب مهرماه ۱۲۹۰ در ماه‌های مهر و آبان ۱۲۹۳ برگزار شد و مجلس پس از سه سال فترت در آذرماه همان سال توسط احمدشاه افتتاح گردید. مهم‌ترین تغییر در قانون انتخابات برقراری رأی همگانی (مردان)، انتخابات مستقیم و حذف شرط تمکن برای رأی‌دهندگان بود. این قانون تا مجلس ۲۴ مشروطه با اصلاحاتی مبنای انتخابات بود. از لحاظ شکلی این قانون از ۹ فصل، ۵۳ ماده و ۲ تبصره تشکیل شده است. نقش عناصر هفتگانه پژوهش، در نظامنامه یک‌درجه‌ای عبارت‌اند از:

**۵.۳.۱. نظام سیاسی:** نظام سیاسی در شکل‌گیری و تدوین سومین قانون انتخابات مجلس شورای ملی نقش چندانی نداشت و نقش احزاب و گروه‌های موجود در مجلس شورای ملی بسیار تأثیرگذارتر بود. یکی از ویژگی‌های مهم این دوره، از بین رفتن قدرت شاه و

نفوذ درباریان بود؛ بنابراین برای نهادهای رسمی مانند نهاد سلطنت در تدوین سومین قانون انتخابات نمی‌توان نقش قابل توجهی را در نظر گرفت. نهاد سلطنت در این مقطع در ضعیف‌ترین شکل خود به سر می‌برد (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۴۵). قوه مجریه نیز در بی‌ثباتی کامل قرار داشت؛ بنابراین شکل‌گیری بخش اعظمی از محتوای سیاسی قانون انتخابات یک‌درجه‌ای در مجلس و تحت تأثیر عقاید و ایدئولوژی حزب دموکرات بود (بهار، ۱۳۶۳: ۷). بررسی محتوای قانون انتخابات سال ۱۲۹۰ ه. ش. نشان می‌دهد که بسیار شبیه به مرامنامه حزب دموکرات بود (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۲۰۰).

در این دوره برعکس نظامنامه نخستین نقش انجمن‌ها نیز کاهش یافت. به‌رغم نقش برجسته انجمن تبریز، اعضای مجلس از جمله دموکرات‌ها نظر خوشی به انجمن‌ها نداشتند و نفوذ انجمن‌ها بسیار کاهش یافت. در قانون جدید انجمن‌هایی که می‌بایست بر انتخابات نظارت کنند پس از انتخابات منحل می‌شدند. این تلاشی بود برای کاهش انجمن‌ها رسمی و نیمه‌رسمی که تعداد آن‌ها در دوره مشروطه اول بسیار زیاد شده بود (آفاری، ۱۳۸۵: ۳۴۱).

**۵.۳.۲. توازن طبقاتی و گروهی:** در این مقطع سیاست از حوزه ایلی و عشایری به سمت ساخت‌های مدرن از جمله احزاب سیاسی و حضور بیشتری از مردم در انتخابات حرکت کرد.<sup>۱۰</sup> انجمن‌های مخفی خود را در هیئت احزاب سامان دادند. این دوره، دوره پیدایی و گسترش احزاب سیاسی در کشور بود. این احزاب به‌عکس انجمن‌های دوره اول، پایگاه مردمی نداشتند. مهم‌ترین حزب سیاسی در این دوره حزب دموکرات بود. اگرچه این حزب در اقلیت بود ولی بیشترین تأثیر را در تکوین محتوای سیاسی قانون انتخابات داشت. در قانون اساسی مشروطیت کلمه حزب یا احزاب به کار برده نشده است و به جای آن در اصل بیست و یکم متمم قانون اساسی که عبارت‌اند از: ((انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولود فتنه دینی و دنیوی و منحل نظم نباشد در تمام مملکت آزاد است...)). قوانینی که بعدها توسط مجلسین یا هیئت دولت در ارتباط با احزاب تدوین شد متأثر از این ماده بودند و بدان تصریح و استناد کردند. البته افزایش تعداد نمایندگان فارس از هشت نفر به سیزده نفر نیز بازتاب توجه به ناآرامی‌های قومی در جنوب بود (آفاری،



۱۳۸۵: ۴۱۷). در این زمان هر چند انتخابات طبقاتی یا صنفی نبود اما طبقات اربعه (علماء، تجار، اصناف و اعیان و ملاکین) مطابق ماده ۹ قانون یک درجه‌ای در هیئت ناظر برگزارکننده انتخابات حضور دارند که نشان از اهمیت طبقات در جامعه ایران داشت.

**۵.۳.۳. ایدئولوژی سیاسی و مذهبی:** با توجه به نقش حزب دموکرات در تدوین این قانون می‌توان از کاهش نقش مذهب و افزایش ایدئولوژی سوسیال دموکرات در تدوین این قانون سخن گفت. از جمله برنامه‌های مهم حزب دموکرات که مرام سوسیال دموکرات داشت، برابری همه ایرانیان در برابر قانون، بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب و ملیت و انفکاک کامل قوه سیاسی از قوه روحانی بود (شاگری، ۱۳۸۴: ۲۶۷). آن‌ها هر چند برخی از مواد مرامنامه خود را در پوشش اسلام مطرح و خود حامی توده فقیر، ضعیف و زحمت‌کش معرفی می‌کردند؛ اما بار مذهبی و عقیدتی این قانون نسبت به قوانین سابق کمتر شد و بعد عرفی و سکولار بیشتری داشت. بدین ترتیب قانون مذکور معمولی‌تر و غربی‌تر شد. علت عمده آن را باید تأثیر چپ‌گراها و غرب‌گرای متجدد دانست. «در این قانون کسانی که از محمدعلی شاه حمایت کرده بودند از شرکت در انتخابات محروم شدند. باز هم نمایندگان در سه موضوع وقت بسیار صرف کردند: تعداد نمایندگان ایالت‌ها و ولایت‌ها، تعداد نمایندگان غیرمسلمان و روش چگونگی محروم کردن مرتدان».

(آفاری، ۱۳۸۵: ۴۱۸).

مشکل مجلس از منظر ایدئولوژی سیاسی نیز در این دوره نیز مانند دوره قبل برخورد بین دو گروه بود. آزادیخواهان که اکنون دموکرات نامیده می‌شدند (گاه آنان را حزب انقلاب نیز می‌گفتند) و خواهان حکومتی ملی و قوی، قدرت مجلس و برنامه‌ای سوسیالیستی بود و گروه میانه‌روها که حزب اجتماع‌یون اعتدالیون را تشکیل می‌دادند و محافظه‌کار و مایل به سازش بودند (اتحادیه، ۱۷۶: ۱۳۶۱). به نظر می‌رسد با تلاش‌های حزب دموکرات بود که مطابق بند چهارم قانون یک درجه‌ای که مبنای انتخابات شد مجرمین سیاسی از حق انتخاب محروم شدند که بند جدیدی نسبت به قوانین قبلی بود. از نظر مذهبی نیز محرومیت مرتدین از انتخاب شدن مطابق بند چهارم ماده چهارم این قانون مانند قوانین قبلی استمرار یافت. بند اول ماده شش نیز هم چنان بر متدینین به دین

پیامبر اسلام برای انتخاب شوندگان تأکید داشت.

**۵.۳.۴. عرف و سنت جامعه:** تغییراتی که در پی مشروطیت در فرهنگ سیاسی جامعه حادث شده بود به تدریج جامعه را به سمت تغییرات برخی قوانین سوق داد. تحت تأثیر افکار دموکرات‌ها، جامعه برابری در حقوق سیاسی را خواهان بود. بررسی محتوای این قانون نشان می‌دهد که از دو قانون قبلی مردمی‌تر و بر آن بود که در این قانون عدالت و برابری در توزیع قدرت بین آحاد ملت و اجرای حاکمیت ملی بیشتر محقق گردد. این قانون به هر شهروند یک رأی نزدیک‌تر شد. (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۵۷). هر چند نقش عرف در این قانون نسبت به سایر قوانین در قانون‌گذاری کاهش یافت اما هنوز منبع مهمی به حساب می‌آمد. در این قانون از شرط انتخاب کنندگان، معروفیت محلی برداشته شد امری که باعث افزایش تعداد انتخاب‌کنندگان می‌شد اما به شرایط انتخاب شوندگان معروفیت محلی ادامه یافت و شرط «معروف به امانت و درستکاری» اضافه گردید هر چند صفت «داشتن بصیرت در امور مملکتی» مطابق ماده شش حذف گردید که در عرف ایرانی برای سیاست‌ورزی بسیار مهم است.

**۵.۳.۵. عنصر اقتصادی:** در اولین نظامنامه صنفی، شرایط مالی سنگینی برای انتخاب کنندگان پیش‌بینی شده بود. در دومین قانون انتخابات، از شرایط مالی به میزان زیادی کاسته شد؛ اما در سومین قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۱۲۹۰ ه. ش. این شرط به طور کامل لغو گردید. بند چهارم ماده سوم پیش‌نویس سومین قانون انتخابات مقرر می‌داشت ((۴-لااقل دارای ۱۵۰ تومان علاقه ملکی یا سالیانه ۵ تومان مالیات بده باشند یا ۳۶ تومان عایدی سالیانه داشته باشند...)). دموکرات‌های در مجلس دوم این‌گونه قید و بندها را نشانه تبعیض و عدم تساوی مردم در برابر قانون می‌دانستند و به شدت با آن مخالفت می‌کردند. اعتقاد داشتند همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و هیچ فرقی بین فقیر و غنی، از لحاظ حقوق سیاسی و اجتماعی نیست. هنگامی که مجلس قانونی برای همه اعم از مالک و غیر مالک، ثروتمند و غیر ثروتمند وضع می‌کند، پس نمایندگان همه اقشار باید در مجلس حضور داشته باشند. (سائلی کرده ده، ۱۳۸۷: ۲۲۳). دموکرات‌ها حتی اعتقادی به شرط سواد برای انتخاب کنندگان نداشتند. از این رو تعداد قیود و شرایط

انتخاب‌کنندگان در این قانون نسبت به قانون قبلی بسیار کمتر بوده است. همین امر بعدها باعث اشکالاتی در امر انتخابات گردید. بدین صورت که دست مالکان و زمین‌داران بزرگ در اعمال نفوذ و تحمیل نظرات خود بر روستائیان باز بود (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۲۵).

**۵.۳.۶. تحولات جهانی و منطقه‌ای:** در تدوین و شکل‌گیری سومین قانون از اعمال نفوذ و نقش سیاست خارجی دولتین روسیه و انگلیس خبری نبود. شاید علت عمده، احساسات ملی‌گرایی نمایندگان بوده است که اجازه دخالت بیگانگان را در تدوین قانون نمی‌دادند و آن را یک امر داخلی و ملی و از نشانه‌های استقلال و افتخار مجلس می‌دانستند. از دیگر سو در مجلس دوم بدینی زیادی به دخالت روسیه و انگلیس وجود داشت و علت اصلی آن تبدیل رقابت این دو کشور در ایران به همکاری با انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی و تقسیم ایران به مناطق تحت نفوذ خود بود. البته مورگان شوستر امریکایی که مستشار امور مالی بود در مخالفت با روسها و انگلیسی‌ها به دموکراتها در تنظیم قانون جدید مشاوره می‌داد. خروج محمدعلی‌شاه و ناکامی روسیه در بازگرداندن محمدعلی‌شاه، سبب حمایت مجدد از دموکرات‌ها در مجلس شد و به آن‌ها اکثریتی داد که به تصویب قانون انتخابات جدید و آزادانه‌تری انجامید. (آفاری، ۱۳۸۵: ۴۱۷)

**۵.۳.۷. قانون‌گذاران:** تنها ساختار سیاسی وقت که در تدوین قانون انتخابات سوم ایفای نقش کرد، مجلس شورای ملی بود. مجلس دوره دوم که بعد از خلع محمدعلی‌شاه، احیای مجدد قانون اساسی مشروطیت و متمم آن، افتتاح شده بود، سعی کرد که جریان امور را در قالب و چارچوب قانون قرار دهد و جامعه را از حالت هرج و مرج و لجام‌گسیختگی خارج کند. یکی از وظایف سنگین مجلس در این دوره، اعاده واقعی حاکمیت و حکومت ملی بود؛ بنابراین با تدوین قانون جدید سعی کرد که تا حد زیادی به این هدف جامه عمل بپوشاند. مجلس دوره دوم به مدت ۲۵ ماه و چند روز بر سرکار و امور داخلی آن نسبت به دوره قبلی منظم‌تر بود و حضور ۲۰ نفر از وکلای دوره سابق امکان می‌داد که از تجربیات آن‌ها استفاده گردد. قانون مذکور در چنین شرایطی تدوین گشت و علی‌رغم اینکه تهیه و تنظیم آن در اواخر عمر مجلس انجام گرفت، با استفاده از

تجارب قبل، با تأنی و نظم بیشتری تدوین گشت. (سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۱۱-۲۱۲). این قانون در ۲۸ مهر ۱۲۹۰ به رغم مخالفت ناصرالملک نایب‌السلطنه به تصویب رسید. (آفاری، ۱۳۸۵: ۴۱۷).

### ۶. نتیجه‌گیری

در حوزه حقوق عمومی و جامعه‌شناسی آن، نظام‌های انتخاباتی مختلفی وجود دارد که اجرای هر یک بر سرنوشت انتخابات، احزاب سیاسی و مهم‌تر از آن نظام سیاسی اثر خواهد گذاشت. در شکل‌گیری این نظام‌ها، متغیرهای بسیاری دخیل هستند از متغیرهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گرفته تا وسعت و قلمرو جمعیت. همچنین عوامل تاریخی مثل نفوذ استعمار و انقلاب‌های مردمی، سطح توسعه و سطح دموکراسی نیز از عوامل تأثیرگذار بر این نظام‌ها است. در ایران نیز مانند سایر کشورها نظام انتخاباتی، تعیین‌کننده قواعد رفتاری و قانونی است که میان افراد و گروه‌های مختلف سیاسی در جریان است. این نظام تا کنون اشکالی متنوعی به خود گرفته است. علت این امر را می‌بایست در بسترهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جستجو کرد.

با ارائه عناصر هفتگانه در اولین نظامنامه انتخاباتی به نکات مهمی از جمله نقش نظام سیاسی مشروطه اعم از نهاد سلطنت و حکومت در صنفی شدن نظامنامه انتخاباتی، طبقاتی شدن اولین قانون انتخابات ایران با توجه به طبقاتی بودن جامعه ایران، تأثیرپذیری این نظامنامه از عرف و سنت‌های مذهبی و اجتماعی، ایجاد محدودیت‌های اقتصادی قید مالکیت و مأخذ تمول و تأثیرپذیری و الگوبرداری این نظامنامه از تحولات سیاسی و حقوقی منطقه‌ای و بین‌المللی دست می‌یابیم. همچنین با مطابقت الگوی فوق با دومین نظامنامه انتخاباتی به کم‌رنگ شدن نقش نظام سیاسی بخصوص نهاد سلطنت در تدوین دومین قانون انتخاباتی، از بین رفتن قید اختصاص به طبقات معین و نقش فعال انجمن تبریز، محرومیت دوباره زنان از انتخاب کردن و انتخاب شدن به خاطر یکسری تعصبات دینی و عرفی، کاهش شرایط مالی برای حضور افراد در انتخابات نسبت به اولین قانون انتخاباتی و تأثیرپذیری از تحولات بین‌المللی به‌ویژه نقش دو دولت انگلیس و روسیه در

تدوین قانون انتخابات دودرجه‌ای دست می‌یابیم و در نهایت با الگوبرداری از این عناصر در سومین قانون انتخابات مجلس شورای به نتایجی از جمله نقش فعال احزاب و گروه‌های سیاسی در مجلس شورای ملی، دموکراتیک‌تر بودن این نظامنامه در مقایسه با قوانین قبلی به دلیل تأثیر دموکرات‌های مجلس در تدوین قانون یک‌درجه‌ای، حذف کامل شرایط مالی برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کاهش تأثیر شرایط مذهبی و نقش عرفی این قانون نسبت به دو قانون قبل دست می‌یابیم. بدین سان بررسی تجربه‌های گذشته می‌تواند بر تطبیق نظام انتخاباتی با روح جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد تا کشور و نظام سیاسی با بحران‌های سیاسی در زمان انتخابات مواجه نشوند. می‌توان بحران‌های انتخاباتی را یکی از مهم‌ترین بحران‌های پیش آمده در تاریخ سیاسی ایران دانست. جدول زیر چرایی و چگونگی تحول در قوانین نظام‌های انتخاباتی در ایران را نشان می‌دهد:

جدول فرمول انتخاباتی نظام‌های انتخاباتی عصر مشروطه و عناصر تحول بخش قوانین آن

نوع نظام انتخاباتی و فرمول و زمان تدوین	نظام سیاسی	توازن طبقاتی و گروهی	ایدئولوژی و سیاسی مذهبی	عرف و سنت	تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی	اقتصادی	قانون‌گذاران
نظام‌نامه انتخابات صنفی - دو درجه‌ای (اکثریت نسبی دور اول و اکثریت مطلق دور دوم - تهران یک درجه‌ای) ۱۲۸۵ ش.	نقش تأثیرگذار دو نهاد سلطنت و حکومت	طبقاتی و صنفی بودن، حذف اقلیت‌ها و ایلات	وجود رادیکال‌ها و محافظه‌کاران، نقش پررنگ حذف مذهب، زنان و اقلیت‌های مذهبی	نقش پررنگ آداب و رسوم	الگوبرداری از قوانین غربی و تطبیق آن با روح جامعه ایرانی	شرط داشتن دارایی و اموال	تدوین توسط هیئت پنج نفره
نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای (اکثریت نسبی دور اول و اکثریت مطلق دور دوم) ۱۲۸۸ ش.	جزئی شدن نفوذ نهاد سلطنت و نهاد حکومت	حق شرکت همه طبقات به جز بانوان، حضور ایلات و اقلیت‌های مذهبی	اعطای حق رأی به اقلیت‌های مذهبی، حذف زنان	حضور قوی عرف و سنت‌ها	دیپلماسی چشمگیر انگلیس و روسیه	کاهش شرط دارایی و مالی	کمیسیون ویژه شائوده‌نفری
قانون انتخابات یک درجه‌ای (اکثریت نسبی) ۱۲۹۰ ش.	نقش برجسته مجلس و حزب دموکرات	حرکت سیاست از حوزه ایلی و عشایری به سمت احزاب، حذف زنان تا سال ۱۳۴۱	تحت تأثیر دموکرات‌ها، نقش پررنگ ایدئولوژی سیاسی،	کاهش بعد عرفی	عدم نفوذ دولت خارجی و تأثیرگذاری حزب دموکرات در مجلس	از بین رفتن شرایط مالی	نمایندگان مجلس دوم شورای ملی

### پی‌نوشت‌ها

۱. در این رابطه کتاب "اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول (۱۳۷۸)"، "مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه (۱۳۷۵)"، "نخبگان سیاسی ایران: نمایندگان مجلس شورای ملی (۱۳۷۱)" و "مقاله تأملی بر حق رأی در حقوق ایران (۱۳۸۲)" نیز می‌توان نام برد.

۲. کتاب ری یک کتاب کلاسیک در این حوزه محسوب می‌شود. این کتاب از منظر جامعه‌شناسی تطبیقی نظام انتخاباتی چند کشور را بررسی کرده است.

### ۳. Historicism

### ۴. Nomologicalism

۵. پایتخت این حق تقدم را برای خود حفظ کرد و هنگام تصویب قانون اساسی نیز این حق تقدم طی اصل ششم حفظ شد. در سال ۱۳۳۶ ش در جلسه مشترک مجلس سنا و شورا، اصل ششم به این صورت در کنگره تغییر کرد: پس از آنکه دو ثلث نمایندگان مجلس شورای ملی در پایتخت حاضر شدند مجلس منعقد می‌شود (شمیم، ۱۳۷۲، ص ۴۶۱). در نتیجه تهران حق تقدم خود را از دست داد.

۶. نمایندگان اصناف پیگیرترین حامیان مجلس بودند و مجلس موجودیت خود را مرهون اعضای شریف و آگاه این طبقه بود. نظری به نشست آنها در کنار نجبا و اشراف و علما ماهیت منحصر به فرد مجلس اول را نشان می‌دهد. گفته می‌شود تعیین تعداد آنها بر اساس سنت تاریخی ایران از دوره صفویه بود. ویلیام فلور می‌نویسد که در دربار صفویه سی دو کارگاه بود که هر کدام یک باشی داشت. هر باشی مسئول یک دسته از اصناف بود. تعداد نمایندگان اصناف بازتاب این سنت بود (آفاری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳ و ۴۵۶ به نقل از (Floor, "the Guilds" 1975, 107-109))

۷. سید جواد طباطبایی معتقد است با استقرار مشروطیت، به‌ویژه زمانی که نخستین نظام حقوقی جدید در ایران تدوین شد، رساله «یک کلمه» یوسف مستشارالدوله مبنای نظری تبدیل شرع به نظام حقوقی عرف قرار گرفت. «تبدیل حقوق شرع به نظام حقوقی جدید در ادامه آن شهود میرزا یوسف خان مستشارالدوله امکان‌پذیر شد» (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۴ و ۱۵).

۸. محتشم السلطنه: در سال ۱۳۰۲ ه ق در حالی که ۱۹ سال بیشتر نداشت، در وزارت خارجه زیر نظر برادر بزرگ‌تر خود در اداره کشوری غیر هم‌جوار مشغول به کار شد. یک سال بعد به عضویت سفارت ایران در برلین منصوب شد و به اتفاق وزیر مختار ایران در آلمان رهسپار آن کشور گردید. دوره مأموریت او در آلمان ۵ سال طول کشید. - مشیرالملک: مشیرالملک پسر ارشد میرزا نصرالله خان مشیرالدوله بود. پدرش وی را در سال ۱۳۰۳ ه ق برای تحصیل به مدرسه نظامی مسکو فرستاد که پس از سه سال تحصیل در آن مدرسه، به دانشکده حقوق مسکو رفت و تحصیلات خود را در رشته حقوق سیاسی به پایان

رسانید. وی مدتی نیز وزیر مختار ایران در پترزبورگ، پایتخت روسیه تزاری بود. (بامداد، ۱۳۴۷، ۳۲۵) - مؤتمن الملک: از طرف پدرش - میرزا نصرالله خان مشیرالدوله پیرنیا در سال ۱۳۰۳ ه ق برای تحصیل به پاریس فرستاده شد که در پاریس تحصیلات خود را در رشته حقوق سیاسی به پایان رسانید سپس به انگلستان رفته و در لندن به فراگرفتن فلسفه و ریاضی پرداخت. در سال ۱۳۱۷ که پدرش به وزارت خارجه منصوب شد به تهران آمد و در وزارت خارجه مشغول به خدمت شد و پس از افتتاح مدرسه علوم سیاسی در شعبان ۱۳۱۷ ه ق، در آنجا به تدریس حقوق سیاسی پرداخت. مؤتمن الملک به مأموریت از طرف پدرش در تنظیم قانون اساسی و نظامنامه انتخابات و متمم قانون اساسی شرکت کرد. - مخبرالسلطنه: او نیز تحصیل کرده آلمان بود. او در این هنگام ۱۵ ساله بود. چند سالی نیز مشغول به تدریس زبان آلمانی در دارالفنون بود. - صنیع‌الدوله: ایشان در سال ۱۲۸۸ ه ق وارد دارالفنون شد، از دوران کودکی به کارهای صنعتی علاقه داشت به همین خاطر پدرش وی را در سال ۱۲۹۳ ه ق برای ادامه تحصیل به آلمان فرستاد. در سال ۱۲۹۵ ه ق که ناصرالدین‌شاه دومین سفر اروپا را پیش گرفت، صنیع‌الدوله در برلین سمت منشی و مترجم شاه را داشت.

۹. اسامی اعضای کمیسیون مذکور عبارتند از: حسینقلی نواب، اسدالله میرزا شهاب‌الدوله، میرزا حسن خان مشیرالملک، میرزا حسن خان موتمن الملک، حسن مستوفی، صادق مستشارالدوله، عبدالحسین میرزا فرمانفرما، محمد قلی خان مخبرالملک، میرزا نظام‌الدین خان مهندس الممالک، مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله، حاجی سید نصرالله تقوی، میرزا هاشم خان امین‌دربار، حاج محمد میرزا کاشف‌السلطنه، حسین علی خان معین‌الدوله، میرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله، میرزا علی نقی خان مستشارالسلطان.

۱۰. مهم‌ترین تغییر در این زمینه در تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۱۳ مبنی بر حذف کرسی ایلاتی مجلس و در تاریخ ۶ مهر ۱۳۴۱ مبنی بر حذف اعیان و مالکان از نظامنامه انتخاباتی و ورود زارعان و کارگران در آن و نهایتاً قانون شرکت بانوان در انتخابات در مجلس دوره بیست و یکم در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۳ بود.

## منابع

## الف. فارسی

- آفاری، ژانت (۱۳۸۵)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۱)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت*. چاپ اول. تهران: نشر تاریخ ایران.
- اسنادی از انتخابات در مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول (۱۳۷۸)، اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس‌جمهور، به کوشش علیرضا اسماعیلی، شفیع و اکبری بایگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- احمدی، علی (۱۳۸۹). *انتخابات در ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
- اطاعت، جواد (۱۳۸۵)، *قوانین و نظام انتخابات در دوران مشروطه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۳۰-۲۲۷.
- امامی، محمد (۱۳۹۱). *درآمدی بر بنیادهای حقوق اساسی و نظام‌های سیاسی*. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- بامداد، مهدی (۱۳۴۷) *تاریخ رجال ایران*. چاپ اول. تهران: مجلدات اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم: انتشارات زوار.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، *آموزش دانش سیاسی*، تهران: طرح نو.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۱). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی (انقراض قاجاریه)*، جلد اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- توکلی طرقی، محمد (۱۳۸۲)، *تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۸۹)، *قانون اساسی مشروطه ایران و اصول دموکراسی*، چاپ چهارم، تهران: نیلوفر.
- رشیدی، احمد (۱۳۹۴)، *درآمدی بر رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی در پژوهش‌های علوم سیاسی، فصلنامه سیاست*، دوره ۲۵، شماره ۲، ۴۷۴-۴۵۷.



بنیادهای سیاسی و اجتماعی نظام‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی... ۱۱۵

- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۲)، قانون حکومت ایران (سومین قانون اساسی عصر ناصری)، فصلنامه تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران، شماره چهارم.
- دوتوکویل، الکسی (۱۳۹۱)، انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مروارید
- زولر، الیزابت (۱۳۸۹)، درآمدی بر حقوق عمومی. مترجم سید مجتبی واعظی. تهران: انتشارات جاودانه.
- ژاله، حجت (۱۳۹۲)، «جایگاه امر عمومی در نوسازی حقوقی دولت مدرن در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، حیات یحیی، ج اول و دوم و سوم، تهران: انتشارات عطار و فردوسی.
- سائلی کرده ده، مجید (۱۳۷۸)، سیر تحول قوانین انتخاباتی در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴)، پیشینه‌های اقتصادی و اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران: ۱۳۸۴.
- شجعی، زهرا (۱۳۷۲) نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج اول و ج چهارم، تهران: انتشارات سخن.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۲)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: شرکت چاپ و انتشارات علمی.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۱) حقوق و اجتماع، رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی. چاپ دوم. تهران: انتشارات طرح نو
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۲)، تاملی درباره ایران، جلد دوم: نظریه حکومت قانون در ایران. تهران: انتشارات ستوده.
- فوران، جان (۱۳۹۲)، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- فی، برایان (۱۳۸۳)، پارادایم‌شناسی در علوم انسانی. مترجم مرتضی مردیها. چاپ اول. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- قاسم‌زاده، قاسم (۱۳۹۳)، *حقوق اساسی*، تهران: انتشارات جنگل.
- قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب بیست و نهم مهرماه ۱۲۹۰ خورشیدی - مصوب ۲۸ شهر شوال‌المکرم ۱۳۲۹
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۶۳)، *تاریخ بیداری ایرانیان*. به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- گرجی، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، *حقوقی سازی سیاست*، تهران: انتشارات خرسندی.
- مستشارالدوله تبریزی، میرزا یوسف‌خان (۱۳۸۶)، *رساله یک کلمه*، به اهتمام علیرضا دولت آبادی، تهران: انتشارات بال.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۶۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. جلد اول، چاپ اول. تهران: انتشارات علمی.
- نائینی، احمدرضا (۱۳۹۰)، «تاریخچه قانون‌گذاری در ایران»، *نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری پیام بهارستان*، شماره ۱۲ ویژه‌نامه تاریخ مجلس، ۲۲۷ تا ۲۵۶.
- نظامنامه انتخابات دو درجه مجلس شورای ملی - مورخه ۱۲ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۷ قمری (برابر با ۹ تیرماه ۱۲۸۶).
- نظامنامه انتخابات (اصنافی) مجلس شورای ملی مورخه ۱۹ رجب ۱۳۲۴ قمری. ویژه، محمدرضا و قهوه‌چیان، حمید (۱۳۹۱)، *تحلیلی بر نظام‌نامه انتخاباتی سال ۱۲۸۵ مجلس شورای اسلامی، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی*، سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۱، ۱۹۵ تا ۲۲۵.

ب. انگلیسی

Rae.w Daglas (1971), *the political Consequences of Electeral Laws*, Yale University Press.